

وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های وابسته، از این جهت که متولی امر بنیادی و بسیار مهم آموزش دانش، پرورش شخصیت، مسئولیت‌پذیری، خودباوری و نیز هویت‌یابی برای جوانان آینده‌ساز این مرز و بوم هستند و با توجه به این‌که آموزش درست تاریخ می‌تواند نقش مهمی در تحقق این رسالت ایفا کند، باید همواره جلوتر و بیشتر از هر سازمان دیگر، طالب و مشوق نقد و بررسی اهداف و روش‌های اجرایی خود باشند. انجام نقد و بررسی و آسیب‌شناسی، نشانه‌ای از پویایی و تضمین‌کننده تداوم اصلاحات در راستای به‌کارگیری شیوه‌های مؤثرتر نظری و عملی به منظور دست‌یابی به اهداف مطلوب است. کوشش‌های انجام‌گرفته، بیانگر توجه همگان به امر پژوهش، پژوهشگری و پیدا کردن راه‌حل‌های جدید است و نیز گامی مثبت و ارزنده در مسیر بهبود فرایند آموزش محسوب می‌شود. هم‌چنین، تلاش‌های فراوان و ابتکارات برخی از دبیران در سراسر کشور در استفاده از شیوه‌های نوین تدریس در جهت افزایش علاقه دانش‌آموزان، اگرچه جنبه فراگیر ندارد، توانسته است نتایج مثبت و مؤثری را به‌بار بنشاند. در این نوشتار، نکاتی به‌اختصار در مورد آسیب‌شناسی عوامل تأثیرگذار در فرایند آموزشی و رویکرد نظام‌دار به آن و نیز درباره تدوین کتاب‌های درسی و شیوه‌های تدریس، ارائه می‌شود.

# رویکرد سیستمی در تدوین کتاب‌ها و شیوه‌های تدریس تاریخ

نازنین موفق

## رویکرد نظام‌دار در آسیب‌شناسی

در سال‌های اخیر، تلاش‌ها و اقدامات مثبتی در مسیر نقد و بررسی مؤلفه‌های مؤثر در فرایند آموزش تاریخ، به گونه جداگانه و مجزا برای هر یک از آن‌ها و با تمرکز بیشتر بر تدوین کتاب‌های درسی، صورت گرفته و در برخی از موارد بهبود نسبی نیز به‌دست آمده است. نقد و بررسی و بازنگری جداگانه این عوامل، بدون در نظر گرفتن وابستگی و تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر، هماهنگی و هم‌سویی لازم بین آن‌ها، امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مورد نیاز برای انجام اصلاحات در مورد هر یک از عوامل و نیز بررسی نتایج بازنگری آن‌ها به‌طور مستقل از یکدیگر، نمی‌تواند اثربخشی مناسب داشته باشد. در این باره، برای نمونه، پرسش‌های زیر مطرح است:

## آسیب‌شناسی

همان‌گونه که اشاره شد، لازمه پویایی هر سازمان و در نتیجه تلاش مداوم برای دست‌یابی به اهداف و شیوه‌های مطلوب، نقد و بررسی اهداف فعلی، سیاست‌ها و روش‌های اجرایی خود است. سنجش، مقایسه و بازنگری و اصلاح سیاست‌ها و روش‌ها، از طریق شناخت کاستی‌ها، موانع و مشکلات، موضوع آسیب‌شناسی است. باید توجه کرد که بررسی‌های آسیب‌شناختی، زمانی بهره‌رتر و مؤثرتر خواهند بود که:

- به‌گونه‌ای پیوسته و مداوم در طول اجرای طرح‌ها و روش‌ها انجام گیرد تا از پدیدار شدن اثرات منفی و ناخواسته تصمیمات که از بین بردن آن‌ها به تغییرات وسیع‌تر و هزینه‌های بیشتر نیاز خواهد داشت، جلوگیری کند.

- آسیب‌شناسی و اتخاذ تصمیم در مورد بازنگری‌ها باید واقع‌گرایانه انجام پذیرد. آموزش و پرورش به گونه یک سیستم باز، تأثیرپذیر از محیط اطراف و بیرونی، خود از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ارزشی، و جهانی است و در نتیجه هرگونه بازنگری در تدوین و اجرای طرح‌ها و روش‌ها، باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های محیط اطراف انجام گیرد. به این ترتیب، با انتخاب سیاست‌های مناسب، بر محیط بیرونی خود نیز تأثیرگذار خواهد شد و به اهداف مطلوب خود خواهد رسید. از این‌رو، در تدوین اهداف و روش‌های اجرا، توجه جدی به عوامل زمان و مکان، داده‌های امروز، نیاز نسل جوان، آینده‌نگری و پژوهش در مورد داده‌های فردا، سرعت تغییرات و تحولات در دنیای کوچک کنونی، ویژگی‌های دوران ارتباطات و اطلاعات و برچیده شدن مرزها، ضروری خواهد بود.



● چگونه می‌توان تحولی در نگرش بر تدوین کتاب‌های درسی ایجاد کرد، بدون آن‌که در شیوه‌های تدریس، تغییرات مناسب و هماهنگ به‌وجود آید؟

● چگونه می‌توان «فایده‌تاریخ»، «درس‌آموزی از تاریخ» و «هویت‌یابی» را در راستای افزایش انگیزه و علاقه دانش‌آموزان و دستیابی به اهداف مطلوب آموزشی، با آموزش مهارت‌ها و شیوه‌های تجزیه و تحلیل تبیین کرد، درحالی‌که ارزش‌یابی به‌گونه سنتی و بر مبنای محفوظات صورت گیرد؟

● چگونه می‌توان شیوه‌ها و الگوهای نوین تدریس را به‌صورت یکنواخت و در تمامی دبیرستان‌ها و هنرستان‌های کشور و نه به‌گونه منفرد از سوی برخی از دبیران تلاشگر، به اجرا گذاشت؛ بدون آن‌که معلمان را آماده کنیم؛ به‌گونه‌ای که بتوانند دستاوردهای جدید آموزشی را به‌کار برند و نیز از صلاحیت‌های شناختی، مهارتی و عاطفی که در مجموع، صلاحیت تأثیرگذاری بر دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد، برخوردار باشند.

از این‌رو به نظر می‌رسد، برای رفع کاستی‌ها و ناهماهنگی‌های موجود و نیز افزایش کارآمدی، توجه به تمامی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در فرایند آموزشی به‌صورت یکپارچه و یک «سیستم» و اتخاذ رویکرد «سیستمی» در آسیب‌شناسی آن‌ها، همراه با «بازخورد کلی» سیستم برای سنجش و شناخت اثرات اعمال هرگونه تغییر و تحول و بازنگری، ضروری خواهد بود. بدین ترتیب، در طول زمان و با پیشرفت اجرای طرح‌ها و روش‌ها، نسبت به رفع به موقع نواقص و کمبودهای مؤلفه‌های فرایند آموزشی، به‌گونه‌ای هماهنگ اقدام و اصلاحات لازم انجام خواهد گرفت.

## تدوین کتاب‌های درسی و شیوه‌های تدریس

همان‌گونه که اشاره شد، مؤلفه‌های متعددی بر فرایند آموزشی تأثیرگذارند (هدف اصلی و اصول حاکم در تبیین نگرش تاریخی، تدوین کتاب‌های درسی، الگوهای تدریس، شیوه‌های ارزش‌یابی، آموزش و آماده‌سازی معلمان و...).

با توجه به فرصت محدود، نکات و پیشنهادهای درباره تدریس کتاب‌های درسی و شیوه‌های تدریس ارائه می‌شود:

### نکات

● اگرچه در سال‌های اخیر، با توجه به نظرات همه همکاران گرامی درباره حجم کتاب‌ها، شیوه نثر، محتوا، سرفصل‌ها، اسناد و تصاویر و تعداد ساعات درس متناسب و...، تغییرات و اصلاحات مفیدی در تدوین کتاب‌های درسی صورت گرفته است. اما هنوز در ساختار و دیدگاه حاکم بر تدوین آن‌ها، تحولی اساسی مطلوب به‌وجود نیامده است.

● پایه و اساس و محتوای کتاب‌های درسی تاریخ بر «نقل وقایع و رویدادها» بنا شده است و «وقایع‌نگاری»، محور اصلی آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

● «فایده‌تاریخ» و «درس‌آموزی از تاریخ»، در میان انبوهی از رخدادها و حوادث پنهان مانده است.

● حجم کتاب زیاد است و بیش از اندازه به «نقل» جزئیات و حاشیه‌ها پرداخته شده است. در نتیجه درباره «نقد» رویدادهای تاریخ‌ساز و انسان‌ساز و تجارب ارزشمند گذشتگان در رابطه با فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، معنوی و عمران و آبادانی، توجه کافی و مورد انتظار مشاهده نمی‌شود.

● محتوای کتاب‌های درسی بیشتر پاسخ‌مدار و کمتر پرسش‌مدار هستند.

● آموزش سنتی و کتاب‌محور کنونی نیز، مانند شیوه تدوین کتاب‌های درسی، بر پایه توصف و نقل وقایع و در بیشتر مواقع به‌صورت یکسویه، شکل گرفته است.

● نسل جوان امروز بیش از گذشته طالب تجزیه و تحلیل و بررسی‌های مستدل است. آن‌ها می‌خواهند پرسش‌های خود را مطرح و پاسخ‌های مناسب دریافت و حس کنجکاوی‌شان را ارضا کنند.

● آموزش سنتی و نحوه یاددهی-یادگیری فعلی که بر مبنای «گفتن-شنیدن-حفظ کردن» و بدون مشارکت دانش‌آموزان استوار است، خود مانعی برای افزایش انگیزه محسوب می‌شود.

● آموزش سنتی توانایی پاسخ به سؤال را در دانش‌آموز تقویت می‌کند و نه توان نقد و پرسشگری را.

● دانش‌آموزان بدون درس‌آموزی و شناخت تجربه‌ها و تجزیه تحلیل آزمون‌ها و خطاهای گذشته، برای کاربرد در مسیر حال و آینده خود، تنها به حفظ وقایع و رویدادها می‌پردازند و این موضوع باعث کاهش جاذبه فراگیری تاریخ شده است.



## پیشنهادها

- ساختار به‌ویژه محتوای کتاب‌های درسی در راستای تقویت مهارت‌ها، خودادراکی و خودفهمی دانش‌آموزان و نقد وقایع و رویدادها به‌جای نقل صرف وقایع، متحول شود.
- جزئیات و حاشیه‌ها حذف و در نتیجه حجم کتاب کمتر شود و به تجزیه و تحلیل، و درستی و نادرستی تجربه‌های گذشتگان به‌صورت واقع‌گرایانه، بیشتر توجه شود.
- ساختار کتاب در کل و نیز برای هر درس می‌تواند شامل دو بخش باشد: یک بخش برای دانش و آگاهی از داده‌ها و نکات اصلی وقایع و رویدادها و بخش دیگر برای تجزیه و تحلیل، پردازش و نقد داده‌ها و رویدادهای تاریخی و نتیجه‌گیری از آن‌ها.
- از شیوه نوشتاری کمتر و از نمودارها و دیاگرام‌ها در سنجش، مقایسه و تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی در جهت تأمل و تفکر بیشتر از سوی دانش‌آموزان برای درک وقایع، بیشتر استفاده شود.
- در رویکردهای جدید تدریس، به پرورش استعداد برای طرح سؤال از سوی دانش‌آموزان توجه شود تا توانایی فراگیرنده را نسبت به ارزیابی دانسته‌ها و ندانسته‌های خویش پرورش دهد.
- در شیوه‌های جدید تدریس، انباشتن انبوهی از اطلاعات و داده‌ها در ذهن دانش‌آموزان ملاک نیست و روش یادگیری و کیفیت آن مورد توجه است. داده‌هایی که به ذهن سپرده شوند، ممکن است در آینده به‌خاطر آورده شوند، اما مطالب و درسی که یاد گرفته شود، در آینده به کار گرفته خواهد شد.
- استفاده و به‌کارگیری الگوهای فعال تدریس و بهره‌گیری از وسایل کمک‌آموزشی، در راستای آموزش مهارت‌ها و شیوه‌های نقد و تجزیه و تحلیل و چگونگی یادگیری به دانش‌آموزان و در نتیجه افزایش انگیزه آنان، مورد توجه و تأکید قرار گیرد.
- روش‌ها و الگوهای فعال تدریس باید به صورت فراگیر، در تمام مدارس متوسطه و به‌طور رسمی، به جای روش عرضه اطلاعات، اجرا و به‌کار گرفته شود.

برای رفع کاستی‌ها و ناهماهنگی‌های موجود و نیز افزایش کارآمدی، توجه به تمامی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در فرایند آموزشی به‌صورت یکپارچه و یک «سیستم» و اتخاذ رویکرد «سیستمی» در آسیب‌شناسی آن‌ها، همراه با «باز خورد کلی» سیستم برای سنجش و شناخت اثرات اعمال هر گونه تغییر و تحول و بازنگری، ضروری خواهد بود